

دولت جدید از مجلس رأی اعتماد گرفت حالا هنگام عمل است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۰
پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵:۱۵ ریال

چهره‌های رنگارنگ ضد انقلاب را بشناسیم و با آن مبارزه کنیم

هموطنان! اعضاء و هواداران حزب توده ایران! توطئه‌های تبلیغاتی ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران را نزد توده‌ها افشاء کنید

امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا و عمال داخلی آن برای مبارزه علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما، با گستاخی تمام به میدان آمده‌اند و همه شکل‌های ممکن برای تضعیف و تلاش انقلاب ایران را به کار می‌برند. یکی از خطرناکترین جبهه‌هایی که توسط دشمنان انقلاب ایران گشوده شده است، جبهه تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، زیر پوشش گروه‌های به اصطلاح مبارز ملی‌گراست، که چو ایران نباشد (یا در حقیقت نفت ایران نباشد) تن آن‌ها میاد (که می‌آید) سرگردگان این جبهه بطور شبانه‌روزی به فعالیت اشتغال دارند و روزانه ده‌ها نوع اعلامیه رنگارنگ علیه انقلاب و جمهوری

بحث‌های موافق و مخالف پیرامون دولت جدید به ریاست آقای رجایی و برنامه آن، در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی پایان یافت و ۱۶۹ نفر از نمایندگان حاضر، با رأی موافق خویش تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران را - اگرچه هنوز چندین وزیر معرفی نشده‌اند تسجیل کردند. تنها ۱۴ نماینده رأی مخالف دادند و ده نفر هم امتنع بودند.

باین ترتیب آخرین گام در راه ایجاد نهادهای جمهوری اسلامی ایران، برطبق قانون اساسی، برداشته شد. اینک دیگر میتوان گفت که، بقول معروف، «هر چیز در جای خود قرار گرفته و می‌بایست مرحله جدیدی از سازندگی، سازندگی جامعه‌ای مستقل و آزاد، برخوردار از مواهب زندگی انسانی و مناعت‌سوی بلندی بشری - آنچنانکه شایسته انقلاب بزرگ ما و هدف ده‌ها هزار شهید بود - آغاز شود.

در آغاز این مرحله جدید، ما بیش از هر چیز به هم‌رایی و همدستانی در نبرد عظیم ضد - امپریالیستی، بمنظور خنثی کردن توطئه‌های مکرر و مرتب ضد - انقلاب، به همکاری و هم‌قدمی برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران و ریشه کن کردن بساط ظلم، فساد و بهره‌کشی، به هم‌فکری و همیاری برای بیدار کردن

مناسب‌ترین شیوه‌های پیشرفت و سازندگی و بهره‌گیری از همه استعدادها و نیروهای انقلابی نیاز داریم. این نیازی حیاتی است، سرنوشت‌ساز است.

ولی آیا می‌توانیم بگوئیم که نخستین گام این مرحله حساس جدید تکامل انقلاب در چنین جو و در چنین شرایطی برداشته می‌شود؛ متأسفانه نه. از تعاون و همکاری و وحدت کلیه نیروهای انقلابی و حتی از هم‌قدمی و همدستانی کلیه شخصیت‌ها و قدرتهای هائی که سکان کشتی کشور و زمام‌امور را در دست دارند، خبری نیست. برعکس. امام خیمتی همه رابه حساسیت لحظه و اهمیت وحدت متوجه می‌کنند و می‌گویند: بقیه در صفحه ۸

سخنان سفیر سابق آمریکا در ایران باز هم ثابت می‌کند:

«گروگانها» بهانه‌اند، آمریکا ایران را می‌خواهد!

به اعتراف سولیوان، یک سال قبل از اشغال لانه جاسوسی، در حالیکه نه تنها فکر «گروگان گیری» مطرح نبود، بلکه محافل معینی لانسه جاسوسی را نجات می‌دادند، امپریالیسم آمریکا در نکر کودتای نظامی در ایران بود.

«امریکا از سیاست پیشین خود در ایران دست برداشته است. آمریکا می‌خواهد با ایران روابط عادی و دوستانه داشته باشد. آنچه مانع این روابط است، تنها مساله گروگانهاست. اگر گروگانها آزاد شوند، آمریکا به ایران حمله نظامی بقیه در صفحه ۸

بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در مصاحبه با خبرنگار نامه مردم:

امپریالیسم آمریکا می‌خواهد تجربه شیلی را در ایران تکرار کند

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

امریکا گروگانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید، آیت الله طالقانی شرکت می‌کند

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از کلیه اعضاء، هواداران و دوستان حزب دعوت میکند که در مراسمی که برای بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید آیت الله طالقانی، در ساعت ۴ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، به دعوت ستاد برگزارکننده مراسم، در پشت‌زهره برگزار میشود، شرکت جویند و خاطره آن بزرگمرد را گرامی دارند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۹/۱۹

مسائل سیاسی را با زور نمی‌شود حل کرد
صفحه ۷

یاسر عرفات: ما به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارجح می‌نماییم
صفحه ۸

دستاوردهای جنبش کارگری ایران، یکسال ونیم پس از پیروزی انقلاب

امریکا و سرمایه‌داران آزمنده وابسته بشمار میرفت. همه طبقات و اقشار مولد ثروت جامعه در معرض چنین استثمار وحشیانه دوگانه‌ای قرار داشتند. اما طبقه کارگر، پیشاپیش کلیه طبقات و اقشار، در معرض استثمار دوگانه امپریالیسم و سرمایه‌های داخلی وابسته به آن قرار داشت. استثماری که بحوشیانه‌ترین شکل و با استفاده از همه روشهای «مجاز» و غیرمجاز صورت می‌گرفت.

هم‌دریغ قرن تسلط رژیم ننگین کودتا راسالهای تصدیق بدون وقفه استثمار کارگران از راه‌های گوناگون تشکیل می‌دهد. این کار، هم از راه‌طولانی نگاهداشتن روز کار، محروم داشتن کارگران از استفاده از مزایای قوانین کاری که حتی خود رژیم برسمیت شناخته بود و تبدیل کارخانه‌ها و کارگاهها به شکنجه‌گاههای زیر نظارت ارتش‌های بازنشسته و ساواکیها صورت می‌گرفت، هم از طریق بکاربردن روشهای تصدیق‌استثمار در جریان تولید، و هم بالاخره از طریق پائین نگاه داشتن دستمزدها، کاهش مستمر سطح زندگی کارگران و تشدید فقر در میان آنان به اجرا درمی‌آمد. در ربع قرن تسلط رژیم کودتا، زائغه‌نشین و ایجاد محله‌های کارگری بنام حلبی‌آباد، حصارآباد و کاغذآباد در کنار شهرهای ایران به پدیده‌ای عادی تبدیل گردید. این وضع که کسب و کوحها موازی با هم بالا می‌رفتند، مغرف تشدید فقر مطلق و نسبی طبقه کارگر در شرایط استثمار همه‌جانبه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن بود.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷، بساط این نظام وابسته به امپریالیسم را درهم ریخت. نتیجه مستقیم این وضع، در شرایط پیروزی قلمی و نهائی انقلاب، رهائی طبقه کارگر ایران از استثمار وحشیانه دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های «خودی» وابسته خواهد بود.

واقعیت اینست که هنوز طبقه کارگر ایران تمام و کمال از زیر یوغ استثمار دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته رهائی نیافته و کوشش برای پایان دادن به این استثمار، که ریشه اصلی فقر و عقب‌ماندگی جامعه ایران است، باید ادامه یابد.

رژیم کودتا به طبقه کارگر ایران وارد آمد و فشار رژیم پلیسی - ساواکی محمدرضا، خان در مدت ۲۵ سال پیش از همه به طبقه کارگر ایران تحمیل شد. رژیم کودتا نه تنها این طبقه را از فعالیت سازمانهای صنفی و سیاسی خود محروم داشت، بلکه به قتل‌عام هزاران کارگر مبارز، زندانی کردن هزاران نفر از فعالین و دیگر دانی ووقفه ناپذیر کارگران و زحمتکشان ایران در همه ابعاد زندگی و کار و فعالیت پرداخت.

رژیم پلیسی - ساواکی محمدرضا، که دست‌پیروده سیا و اینتلجنس سرویس و موساد بود، سلطه پنکه - دنیایی و قرون وسطایی وحشتناکی را بر همه جامعه ایران مستولی گردانید. اما این رژیم بخصوص در ارتباط با طبقه کارگر و مبارزان پیشتاز آن درندگی وهاری خاصی داشت. شلاق ساواک و پلیس محمدرضاشاهی به کرده همه مردم ایران وارد می‌آمد. اما خوئین‌تر از همه، این شلاق ظلم و جور بر پشت طبقه کارگر فرود می‌آمد، که هم در کارخانه و کارگاه، هم در خانه و خیابان، از نگاه خشم و دست‌غضب مامورین ساواک رهائی نداشت.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، قبل از همه طبقه کارگر ایران را از سلطه این دستگاه جنمی رها ساخت. کارگران و زحمتکشان ایران، که خود عامل سرنوشت‌ساز پیروزی انقلاب بوده‌اند، هیچگاه از توجه به اهمیت نقشی که انقلاب در رهائی آنان از سلطه رژیم پلیسی - ساواکی ایفا کرده، غافل نخواهند بود و از این انقلاب با تمام نیرو و توان خود دفاع خواهند کرد.

اینجا مساله برسر بهبود و یا عدم بهبود شرایط کار کارگران در دوران پس از انقلاب نیست، که چنانکه بعدا خواهیم دید، علیرغم مشکلات موجود، در این زمینه‌ها نیز دستاوردهای انقلاب برای کارگر کم نیستند. اینجا صحبت برسر رهائی طبقه کارگر از سلطه امریمنی و جنمی رژیم پلیسی - ساواکی است، که بیشتر بن و طاققت‌فرس‌ترین فشار آن به طبقه کارگر وارد می‌آمد.

رژیم دست‌نشانده کودتا از نظر اقتصادی اهرم عمده استثمار منابع طبیعی کشور و مردم ایران بود امپریالیسم و انحصارات غارتگر، و در توبه اول امپریالیسم

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، به رهبری امام خمینی، در یکسال و نیم پیش، دستاوردهای بسیار مهم و جدی برای جنبش کارگری دربر داشته است. جمع‌بست وادریایی این دستاوردها، بویژه در لحظه کنونی، از آن جهت واجد اهمیت است که، ضد انقلاب می‌کوشد با استفاده از نارسائیهایی موجود، از اهمیت انقلاب در نظر کارگران بکاهد، آنان را نسبت به نتایجی که انقلاب ببار آورده و ببار خواهد آورد، مایوسی سازد و از این یاس بسود خود و بزبان خلق بهره‌برداری کند.

بویژه حائز اهمیت است که، طبقه کارگر ایران آگاهی طبقاتی و سیاسی خود را در ارتباط با توطئه‌ها و حیل‌های گوناگون ضد انقلاب حفظ کند، بسدام تبلیغات زهر آکین امپریالیسم آمریکا و جیره‌خواران ضد انقلابی آن نیافتد و با استواری و قاطعیت خدشه‌ناپذیر به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ادامه دهد، زیرا نه تنها دستاوردهای انقلاب در یکسال ونیم گذشته برای طبقه کارگر به معنی واقعی مهم و جدی است، بلکه مهمتر اینکه، تنها از راه تثبیت و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است که زحمتکشان ایران خواهند توانست به بهبود شرایط کار و زندگی و تحقق خواستهای صنفی و اجتماعی خود نائل گردند. غیر از این، برای بر آوردن خواستهای طبقات زحمتکش جامعه، راه دیگری وجود ندارد.

دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی برای طبقه کارگر را در چند مورد اساسی و عمده می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

قبل از همه، دستاوردهای انقلاب برای طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان ایران در رهائی از تسلط رژیم پلیسی - ساواکی وابسته به امپریالیسم مجسم است. استقرار رژیم کودتائی شاه سابق، پس از کودتای خائنه ۲۸ مرداد، منافع همه طبقات و اقشار زحمتکش و ملی را زیر ضرب قرار داد. دوران اختناق ۲۵ ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد، با سرکوب آزادی و دموکراسی برای همه طبقات و اقشار جامعه ایران همراه بود. لیکن در این میان طبقه کارگر ایران وضع خاصی داشت. سهم‌ترین و بیشترین ضربه اختناق در دوران تسلط

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نگاهی به کوره آجرپزی بهمیان

زندگی کارگران کوره پزخانه ها در شان انقلاب نیست



کاش دولت بکار صاحب کوره ها رسیدگی کند و آنها نتوانند بنا زور بگویند.

دیزستان هم نمی شود کارگرد. من ۷ نفر نان خوردارم و بجز این شغل کار دیگری بلد نیستم. زستان جان می کشم برای لقمه ای نان. باید با افزایش دستزد... تا آنجا که کارگران کوره با آن بنیاد رندگی خود و خانواده اش را بخرانند آنها را از این وضع نجات داد. هیچ خبری از بیمه و باز نشستی نیست " هیچ خبری از بیمه و باز نشستی نیست " این کار مستقار و پردرد و زنج - سدوز تعطیلی و استراحت، بی هیچ نوع مرأیا، همانند کار دارد؟ درازا؟ فرسودگیهای ناشی از این کار، مشکل بیمه و باز نشستی در انتظار این زحمتکش است. یکی از کارگران جوان که کلاس سوم نظری را میخواند، می گوید:

زستان درس می خوانم و تابستان کار می کنم. درآشکار، کلیه دردرگرفتم و تمام درآمد صرف دو و دکتر شد.

واضحه می کند:

"در شرکت آجر ماشینی بمدت یک ماه کار کردم. که اخراج شدم. به همه جا هم رجوع کردم، فایده نداشت.

یکی دیگر از کارگران، که جوان ۱۵-۱۶ ساله، بنظر می رسد، می گوید:

من بدلیل اینکه شب را کنار جوی آب می خوابم، مال را گرفته ام و چند روزی است که باید درآمدم را صرف دکتر دار کنم."

ورفیش اضافه می کند:

دکتر برویم، دیگر پولی برای خرج و خوراک باقی نمی ماند.

با این وصف از آنهایی که رژیم کمونیستی جزا ناده حال بیمه ندارند؟ یکی از آنها می گوید:

"هر وقت از اداره بیمه به کوره می آمدند، تا ما را بیمه کنند، کوردها را به ما می بخت. فرار کنید میان درخت ها. و اگر با این کار را نمی گیریم، کوره دار ما را بیرون می گرد و ما هم از ترس بی کاری فراموش کردیم."

دیگری می گوید:

"باید همه با هم بروند اداره کار تا بیمه شوند."

آری، مسئولین بایدحتی زندگی امروز نصیب کارگر شود و قبایل "اخراج از کار"، "بیماری ناشی از کار" و دیگر تلاها تصحیح کنند.

پاراسلی اعصاب سکومدم را رحمکسان جامعه بدوش می کشند. امام خمینی رهبرانقلاب نیر بارها این موضوع را گفته اند:

"انقلاب مال کوخ نشینها بود نه کاخ نشینها ... مملکت مال زغده نشینها است."

دریک کلام، امام خمینی همیشه بر یک مسئله تکیه دارند و آن اینست:

"بدرست متضعین برسید."

ولی متاسفانه بعد از گذشت ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب، این مهم آطور که باید، برآورده نشده است. هنوز زحمتکشان در توتوسه و کنار این مملکت آنچنان در وضع رفت باری زندگی می کنند، که به واقع باید گفت، زندگی آنها در شان انقلاب مانست. از این جمله اند: کارگران خشت زن کوره پزخانه ها. میان زحمتکسانی رفته ام که زیر آفتاب داغ خوزستان و گردوخاک و رطوبت ساسی از کار، کمرخم کرده اند. به کوره که می رسیم، در میان گودالی بزرگ گروهی از کارگران را در حین کار می بینیم. با آنها به گفتگو می نسییم.

"کار ما سخت است"

کارگران کوره پزخانه همگی معتقدند که کارشان بسیار تواراست. ارحلمه! این کارگران، کارگران خشت زن کوره پزخانه اند.

یکی از کارگران که مریض هم بود، می گوید:

"آقا بدترین کار عملگی است، خشت زنی از آن هم سخت تر است.

یغی دیگر از آنها می گفت:

"ما با این وضع بدهوا، حتی آب خوردن هم نداریم بخوریم. همین آب گل جوی آب را میخوریم آری، کار واقعا دشوار است. شرایط دشوار کار آنها را به بیماریهایی از قبیل "کمردرد"، "روماتیسم" "سینه درد" مبتلا می کند. یکی از کارگران می گوید:

"خودتان که می بینید. با این وضع کمردرد هم می گیریم. بعضی ها روماتیسم هم می گیرند."

هرقالب خشت زنی، ۲۰ خست خا دارد. کارگران با بدنه ازا هر سه آجر، هر بار با خم و راست سوند خوب نتیجه معلوم است. خستگی بیس از حد و حوص از استراحت و تعطیلی در کار خبری نیست، بدن فرسوده خواهد شد. آنها کارشان را "هزاری انجام میدهند، هر روزی را که تعبیل کنند، از مزد حوری نیست. بعضی ارحس رنهار روستا می آند و حوص محل استراحت و مسکنی ندارند، در خود کوره زندگی را می گذرانند.

یکی از آنها می گوید:

"شب و روز همیشه هستیم، دوماه، سه ماه یکبار به خانه مان سر می زنییم."

در میان کارگران، کودکانی دیده می شوند که ۱۳-۱۴ سال سن دارند و آنها نیز به بیورد سرباط دشوار کار را برای لقعدناتی تحمل کنند.

"دستمزد ما به هیچجا نمی رسد"

خوب کاری با این مسفت باید لاقفل درآمدی درخور یک زندگی معمولی را داشته باشد. ولی جنس نیست. خود آنها در این زمینه می گویند:

"ما روزمزدی کار نمی کنیم، ماهیاری کار می کنیم هر سه (۱ آجر ۸۵۰ ریال - معمولاً در روز یک نفر در حدود ۱۰۰۰ آجر، ۱۲۰۰ آجر می زنی"

درآمد آنها، همچنانکه خود می گویند، بحالی نمی رسد. آنها غالباً سبواسن از کوره دار پول فرض می کنند و بعد برایش خست می روند و ابظور که یکی از کارگران می گفت:

"همیشه مقداری به کوره دار بدهکار هستیم."

کار خست رنی در سههاس بعلت نداشتن امکانات در کوره، فقط در تابستان زبهار انجام می شود، و در فصلی که نارندگی هست، کار تعطیل است. آنها بی روستائی هستند، رگناوز، زمستان به روستا میروند ولی تعدادی از آنها میروند که در زمستان بی کار باشند.

کارگری که در حدود ۴۰ سال دارد و ۱۵ سال است که در کوره های مختلف کار می کند، می گوید:

وزارت کار از چه کسانی دفاع می کند؟

بهوش باشیم، فردا خیلی دیر است!

چندی پیش یکی از کارگران تریکو ماله (تهران) بوسیله کارفرما اخراج شد. کارگر اخراجی با مراجعات مکرر خود به اداره کار و بیگیری دعوی خود، سرانجام پس از شش ماه موفق شد شکایت خود را به اثبات برساند و هیات حل اختلاف بسوداورای داد. مطابق رای صادره، کارفرما ملزم به پرداخت مبلغ یکصد و شصت هزار و چهارصد ریال خسارت بد کارگر اخراجی شد. ولی کارفرما صریحاً از پرداخت خسارت سرباز زد و کارگر اخراجی ناچار رای هیات حل اختلاف را در دادگستری به اجرا گذاشت، ولی با مراجعه به اداره کار دریافت که، به دستور صریح وزیر کار و امور اجتماعی و به عنوان این که کارفرما به رای مذکور "اعتراضی کرده و طی نامه ای که در پیرونده او وارد شده، رای هیات حل اختلاف نباید اجرا شود.

سخن کوتاه، کارفرما برای زهرچشم گرفتن از کارگران، برای زیر پا گذاشتن حقوق آنان و در جهت حفظ و افزایش منافع نامشروعی که از دسترنج کارگران بدست می آورد، کارگری را خودسرانه، "بنا به میل خود" اخراج می کند، رای صادره از یک مرجع قانونی رانمی پذیرد و در آخر کار نیز پیروز است، زیرا در نهایت، بالاترین مقام مسئول نیز به اوصح داد است که دیناری نپردازد.

این کارگر یک زن است و می توان مجسم کرد که درجه شرایطی کاری کرده است و چگونه نیازهای

گونگون زندگی و معاش خود را با جان کنند، برطرف می کرده است.

در مقابل، کارفرمای که به قانون کسار شاهنشاهی (!) پشتگرم است و می داند که هنوز در وزارت کار در بسیاری از موارد "دربر همان پاسبانه می چرخد" سرانجام عاقبت بخیر شده است.

راستی می توان باور کرد که باگذشت بیش از یکسال و نیم از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی ایران، حتی باگذشت دوماه از فریاد بردارم امام خمینی و با وجود طوفان های عظیم انقلابی در جامعه ما، همچنان، نه آرام و نشان طاعت در برابرای نامه ها که جای پای طاغوتیان در ضوابط و روابط تر و تازه باقی مانده باشد؟

آیا می توان چنین موارد هولناک بی توجهی و زیر پا گذاشتن حقوق ابتدایی زحمتکشان را اقدامی در راستای انقلاب و موافق با خط عمیق خلقی امام خمینی، رهبرانقلاب، به حساب آورد؟

پاسخ بی تردید منفی است. واقعیت این است که انقلاب و رهاورد های مبارک آن هنوز در بسیاری از شئون اجتماع ما، و از آن جمله آن جا که به زندگی پر نیاز و مشقب بار کارگران مربوط می شود، راه نیافته است. این مدعا را می توان به راحتی در لایحه قانونی جدیدی که این اواخر به تصویب رسید (جرایم سیزدهم شهریور ماه جاری) نیز دنبال کرد. در این لایحه نحوه تنظیم قرارداد کار موقت بیسن کارگر و کارفرما، در یک آیین نامه دوازده ماده ای مدون شده است. از جمله مواد آن یکی هم این است که:

"در صورتی که کارفرما قبل از انقضای مدت

کارگران اخراجی نمایندگی ناسیونال

قومن را به سر کار برگردانید



هیچگونه اعتراضی نسبت به بیمه شدن نداشته باشیم و هرگاه اوقاتاضای بیمه شدن کردیم، خود بخود از کار اخراج می شویم."

محمد اضافه کرد که:

"در ازای روزانه هشت و گاهی اوقات نه الی ده ساعت کار ماهانه، با نصد تومان حقوق می گیریم. با این همه من و شش تن دیگر از دوستانم اجباراً به همین مقدار حقوق راضی بودیم و هیچگونه اعتراضی هم نسبت به بیمه شدن نداشتیم. تا اینکه روز پنجشنبه ۵/ ۳/ ۵۹، مسئول بیمه دقتاً ما را هنگام کار غافل گیر کرد و اسامی ما را برای بیمه شدن ثبت کرد."

قابل توجه است که تا قبل از این واقعه، کارفرما کارگران را هنگام مراجعه مسئول بیمه مستراح کارگاه زندانی می کرد.

کارگران اخراجی در نامه امضا شده ای که برای فرماندار فومن نوشته اند، آورده اند که:

"غروب روز شنبه اول شهریور ماه کارفرما باستن حسابمان گفت که، از فردا حق ورود به کارگاه راندارید. ما صبح یکشنبه که به کارگاه مراجعه کردیم، در رابرویی خود بیسته دیدیم."

کارگران در پایان نامه می نویسند:

"در این برهه از زمان که مملکت برای مبارزه با دشمن غدار، شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا درگیر مبارزه مرگ وزندگی است و برای نابودی شیطان بزرگ به بازون ما و تولید احتیاج دارد، ما که هرگونه تحصن و اعتصاب را، که قند درد امپریالیسم و عوامل ضد انقلاب داخلی آنها می کند، شدیداً محکوم می کنیم، با توجه به اینکه هر کدام از ما کمسک خرج خانواده خود هستیم، باید برای آز و طمس سیری نا پذیر کارفرما بیکار بمانیم؟"

از آن مقام محترم درخواست می شود که جهت دوباره برگرداندن ما بکار و تحصیل حقوق ما را کارفرما، اقدام مقتضی بعمل آورند."

نماینده ناسیونال فومن در ابتدای جاده فومن - رشت واقع شده است. کل پرسنل این نمایندگی سیزده نفر است. در قسمت تعمیرگاه آن ساعت کار مفهومی ندارد. اگر چه در ابتدای در ورودی ساعت کار از ۸ صبح الی ۱۲ و از ۲ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ذکر کرده اند، ولی کارگران، خیلی اوقات تا ساعت ۷ یا ۸ شب هم کاری کنند، و در این ساعات اضافی، هیچگونه اضافه دستمزدی به آنها تعلق نمی گیرد.

کارگران این کارگاه شدیداً استعزامی شوند. برای نمونه یک مکانیک درجه یک کمتر از سه هزار تومان دستمزد می گیرد.

یکی از مکانیک های این کارگاه بنام عطارو شین می گفت:

"من را برای گذراندن یک دوره پانزده روزه به تهران فرستادند، ولی تا این لحظه هنوز هزینه سفر و خرج زندگی مرا در آن پانزده روز پرداخت نکردند."

هفت تن از سیزده نفر کارگر شاغل در این کارگاه بیمه نیستند و بصورت پیمانی کاری کنند. با توجه به اینکه این کارگران حداقل دو سال سابقه کار دارند، دستمزد بسیار کمی دریافت می کنند. حتی یکی از کارگران ماهیانه فقط دویست تومان دستمزد دریافت می کند. کارفرما به باطری ساز ماهانه هزار و پانصد تومان پرداخت می کند و این دستمزد خیلی کمتر از حداقل دستمزدی است که وزارت کار برای یک کارگر ساده تعیین کرده است. با توجه به اینکه این باطری ساز کلیه کارهای مربوط به برق ماسین را به تنهایی انجام میدهد.

محمد خودبین، که حدود شش سال سابقه کار دارد و از بدو تا سن کارگاه مکانیکی ناسیونال در آنجا کار کرده است، می گوید:

"موقعی که میخواستیم در این کارگاه مشغول کار شویم، کارفرما از اولادین ما تعهد گرفت که حق

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

"باید به رسیدگی کنید!"

خواسته های این زحمتکشان از مسئولین دولت انقلاب، حق است و باید به آنها رسیدگی کرد. یکی از روستائیل، که به این کار مشغول است، می گوید:

"زمین کشاورزی نداریم. اگر زمین داشتیم، باشیم، ولی نمیکنیم و به دامداری و کشاورزی درمحل خودمان ادامه می دهیم."

یکی از حبس زنان، که دیلم هم دارد، میگوید:

"دولت باید کوره ها را در دست بگیرد، تا آنوقت هم سودگور به جیب دولت برود و هم یک سهم مناسب با هزینه زندگی امروز نصیب کارگر شود و هم بیمه ریانتستگت را بشود بسادگی تامین کرد."

یکی دیگر از کارگران می گوید:

"من از زمانی که آجر هر ۱۰۰۰ تا ۱۲ تومان بود تا حالا، در کوره ها کار کرده ام. تا حال هیچ بررسی از وضع ما نشده. ما از رژیم سابق انتظاس نداشتیم. زنی از این دولت می خواهم، از وزارت کار، از اداره بیمه می خواهم که به وضع ما برسند. الان بین ما صاحب کوره راجع به بیمه دستمزد اختلا ف است و امید است که چه کسی رجوع کنیم. آری باید د نگاهها و سازمانهای دولتی - اداره کار، اداریه های اجتماعی و ... را درجه است برآورده ساختن میان زحمتکشان دگرگون و آساری کرد. به قول امام خمینی:

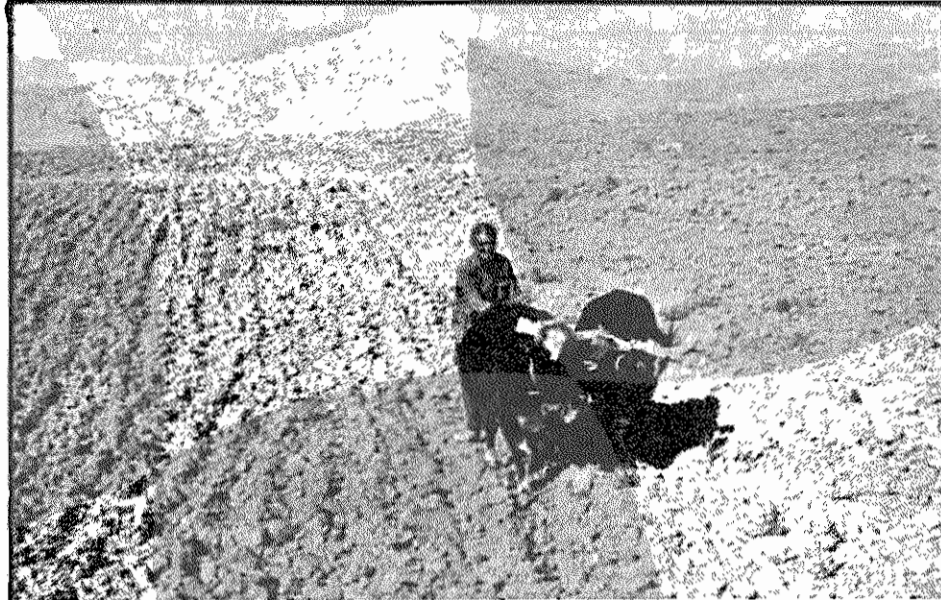
"این ملت تا کی باید صبر کند؟"

باید - رحمه سرت - هر چه فاطمتر درجه است، بود زندگی همه زحمتکشان نام اساسی برداس.

تا اختلافات موجود میان روستائیان پیر آباد و مشهد، بر سر مسئله آب، بجاهای باریک نکشیده است، تدبیر فوری بیاندیشید

روستائی زمین را آباد میکند، ولی ثروت و رفاه از آن بزرگ مالک است

گذری به روستا



اسلام آباد غرب (دهکده چهارملاک اکبر) این دهقانی که در شرایط سخت و با وسایل ابتدائی سالهای سال کار می کند تا زمین را بارور سازد، آیا نباید صاحب زمین و محصول باشد؟

روستاهای پیرآباد و مشهد ۲۰ روستای بزرگ از منطقه "تناس" همد، که بترتیب دره ۳ و ۲۲ کیلومتری به پیرآباد فرار دارند. اختلاف اصلی در این دو روستا بر سر تقسیم آب مزروعی است. یک قسمت از آب زراعی این روستا (پیرآباد) از حوضهای تامین میشود که در روستای مشهد فرار دارند. قسمت دیگر آب زراعی آنها از دره ای نام دره تنگ است که در آن زمینها آب میرسد.

پس از انقلاب، تا برداشت محصول بهاره سال ۵۹، تقسیم آب بین دو روستا به همین صورت باقی بود، ولی از موقع کاشتن برنج در مورد تقسیم آب بین اهالی این دو روستا اختلافاتی بروز کرد.

اهالی مشهد اعدادارند که چون سرچشمه بخشی از این آب در مشهد قرار دارد، تمامی این آب بایستی به اراضی مشهد اختصاص یابد و اگر تا بحال آب این آب را پیرآبادی ها می بردند، بی عدالتی بوده است.

اهالی پیرآباد ادعای آنها را قبول ندارند و میگویند، چنانکه ما از این آب محروم شویم، تمام کشاورزی و زندگی ما مختل و در مانده خواهد شد.

پیشنهاد کردند که آب چشمه مشهد نیز بهمان صورتی تقسیم شود که آب دره تنگ است، یعنی به نسبت ۲/۱

شیانی می گوید: "سه هکتار زمین دارم و هفت سرعائله مالک سابق ده هکتار زمینم را به زور به زارع دیگری داده است. بیست سال تمام در یک باغ کارگری کردم و سالیانه ۵۰۰ تومان به من می دادند. من این باغ را آباد کردم. به دستم نگاه کنید سه سال پیش مالک باغ را فروخت و برای من جز آه سرد چیزی نماند. البته شکایت کردم ولی بی نتیجه بود.

به روستای شیانی، مرکز دهستان شیانی، در ۱۲ کیلومتری شهرستان اسلام آباد غرب در کرمانشاه میرویم. روستائی که در تب نیازهای می سوزد و در انتظار بهروزی است.

مشهدی قاسم نیز وضع خود را، که وضع روستائیان می رمین است، چنین بیان می کند: "سالی ۱۳ هزار تومان اجاره زمینی را که خودم روی آن کار می کنم، به مالک زمین میدهم. من زحمتش را میگویم و دیگری حاصلش را می برد. خوش نشینان شیانی می گویند:

حسن حیدری یکی از دهقانان بی زمین این روستا می گوید: "پتر زمین داشت، ولی مالکین آنرا به زور غصب کردند و این مالکین آن در کرمانشاه زندگی می کنند و سرمایه دار هستند. حالا من از دولت تقاضا دارم یا اراضی را مطابق طرح استاد رفسا اصفهائی تقسیم کند و یا اگر زمین به اندازه کافی نیست در این محل کارخانه یا شرکت یادمانی ایجاد کند، که مادران کار کنیم. ما اهل کار و زحمت هستیم و میخواهیم لقمه نان حلال برای زن و بچه هایمان بدست بیاوریم. ما حقیقتاً نمی توانیم مواد غذایی به این گرانی بخریم. آخر ما که چیزی نداریم. دولت باید این گرانیها را از بین ببرد تا لباس و پارچه و کفش ارزان شود.



اینجا سر راه علی آباد هوراند (امر) و مرکز جمع آوری سبهای گیلاس، توت و سایر محصولات باغداران است. این محصولات تا ساعت ۳ بامداد در این محل جمع می شود و از آنجا به شهر منتقل میگردد. برای ارسال میوهها به شهر، هیچگونه تضمینی وجود ندارد. هر نوع اختلال در حمل و نقل می تواند منجر به ترشیدن میوه و خرابی آنها بشود و زحمت دهقانان بهتر رود.

سازمان حزب توده ایران - هشتم: صف انقلابی و ضد انقلابی را با ملاک های ضد امپریالیستی و خلقی بودن از هم تفکیک کنید

همزمان با ورود و استقرار افراد سپاه پاسداران انقلاب در هشتم، سازمان جوانان توده ایران - هشتم، با انتشار اعلامیه های، آمادگی خود را برای دادن هرگونه کمکی به این پاسداران اعلام کرد. در این اعلامیه از جمله می خوانیم:

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تمام مبارزین صدیق انقلابی می دانند: توده ایها پاسداران صدیق دستاوردهای انقلاب اند

روزگار در قزوین، هنگامی که رفقای توده ای مشغول نصب پوستهای حزب توده ایران بودند، تن از اهالی، که یکی از آنها از مبارزین بزرگ شهر است، با توهین به رفقا، پوستهای آنان را پاره می کند و با خنجر کردن سپاه پاسداران انقلاب به خیال خود "توطئه گران" را به دست قانون می سپرد.

آخرین مبارزه مرگ و زندگی، ایادی آمریکای جنایتکار، عناصر فتوئال و لیبرال و نیمه راهان و تنگ نظران بر آنند تا با بیش کشیدن مسائل فرعی از قبیل برجیدن دهکده ها، منع فروش نشریات انقلابی و قانونی - که رسالت افشا و مبارزه با این خود فروختگان را دارند - جهت اصلی مبارزه را، که همانا مبارزه با "شیطان بزرگ" - آمریکای جنایتکار و ایادی داخلی آنست، منحرف سازند، تا خود فرصت لازم را برای ضربه زدن بر پیکر جمهوری جوان اسلامی ایران و به زانو در آوردن آن بدست آورند.

به خواست اهالی روستای علی آباد رسیدگی کنید

روستای علی آباد با ۶۰۰ خانوار در ۷ کیلومتری بخش شیبتر قرار دارد. محصولات زراعی این روستا گندم، یونجه و بادام است، که مازاد بر مصرف آن در نقاط دیگر بویژه در شیبتر به فروش می رسد. از ۶۰۰ خانوار این روستا ۴۵ خانوار بی زمین و حدود ۵۰ خانوار کم زمین هستند. کمبود آب مزروعی مانند دیگر روستاهای منطقه مشکل اساسی اهالی "علی آباد" است. هم اکنون جهاد سازندگی با کمک اهالی روستا مشغول حفر چاه عمیق برای بیاری مزارع است. روستائیان علی آباد در انقلاب نقش فعالی داشتند و حتی اغلب جهت شرکت در تظاهرات علیه رژیم مخلوع به شهر تبریز می رفتند. آنها از دولت انقلابی می خواهند که به وضع ناسامان روستائیان، که تاکنون حداقل ۱۵۰ نفر بملت این ناسامانها مجبور به مهاجرت از روستا شدند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

رسیدگی فوری بشود. خواستهای اهالی علی آباد عبارت است از: ۱- دادن وام به کشاورزان جهت توسعه کت، ۲- ایجاد شرکت تعاونی در روستا برای تهیه وسایل مورد احتیاج زندگی روستائیان و همچنین تهیه وسایل کشاورزی ارزان قیمت برای کشاورزان، ۳- ایجاد مدرسه راهنمایی در روستا تا دانش آموزان برای ادامه تحصیل مجبور نباشند به نستر و نقاط دیگر بروند، ۴- لوله کشی آب آتامیدنی در روستا. رسیدگی به خواست های بحق این دهقانان وظیفه دولت انقلاب است. بانامین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و برنامه ریزی دقیق برای باز سازی روستاها، از مشکلات دهقانان زحمتکش بکاهید.



مردم جهان از مبارزه خلق شیلی دفاع می کنند

دبیر کل حزب کمونیست «پوریه» توطئه های آمریکا علیه ایران و افغانستان را محکوم کرد

حزب کمونیست شیلی در بیانیه ای، بمناسبت هفته همبستگی جهانی با خلق مبارز شیلی، اعلام کرد که مردم شیلی دیگر حاضر نیستند زیر یوغ دار و دسته فاشیستی شیلی زندگی کنند.

حزب کمونیست شیلی در بیانیه خود اضافه کرد که مقاومت مردم شیلی در برابر اردوستان سرسورده و جنایتکار این کشور روز بروز افزایش می یابد و مردم جهان نیز هر چه بیشتر از مبارزه خلق شیلی حمایت می کنند.

از سوی دیگر، هفته همبستگی با خلق شیلی با سکو تمام در کشورهای سوسیالیستی برگزار می شود. احزاب کمونیست و کارگری و همچنین همه نیروهای ترقی خواه و آزادی دوست نیز در سراسر جهان، در هفته همبستگی شرکت کرده اند.

هفته همبستگی با خلق شیلی، به اینکار سوزی جهانی صلح برگزار می -ود.

بازداشت بدون دلیل محمد فرهاد، دبیر کل حزب کمونیست بنگلادش، موجی از اعتراض برانگیخته است. خالد بکتاش، رهبر حزب کمونیست سوریه اعلام کرد:

«محمد فرهاد، مبارز برجسته در راه آزادی و دموکراسی برای بنگلادش باید هر چه زودتر آزاد شود.»

رهبر حزب کمونیست سوریه بازداشت بدون دلیل محمد فرهاد را اقدامی از طرف ارتجاعیون و عوامل امپریالیسم تلمذ کرد.

خالد بکتاش ضمن اشاره به توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب های ایران و افغانستان علیه نیروهای ترقی خواه، این توطئه ها را قویا محکوم کرد و گفت:

«امپریالیسم نمی خواهد احزاب کمونیست را از توده ها جدا کند. حزب کمونیست بنگلادش حزب راستین کارگران و دهقانان بنگلادش است و کمونیست های سوریه همراه با سایر نیروهای ترقی خواه کشور تقاضا دارند محمد فرهاد فوراً آزاد شود.»

ائتلافی یک روز نامه آمریکائی در باره مداخله آمریکا در امور داخلی هندوستان

روزنامه آمریکائی «دالیاتورسان» گوشه ای از مداخلات مستقیم غیر مستقیم آمریکا در امور داخلی هند را نقد کرد.

بالتیورسان در مقاله خود می افزاید:

«اخیراً در ایالت جامو و کشمیر هند «نهفت برای استقلال» بوجود آمده، که عده ای محدود چند صد تن - «کماندو» عضو آن هستند. این «نهفت» که به هیچ وجه از حمایت مردم ناحیه برخوردار نیست، به فعالیت گسترده دست زده و در پایگاه های مخفی «کماندو» تربیت میکند.

بالتیورسان در مقاله خود می افزاید:

«این «نهفت» از رژیم های عرب، مانند عربستان سعودی پول دریافت می کند و با اقتدار فراوان اعلام میکند که با «دولت فیماالحق» ارتباط دارد.»

بنا به نوشته این روزنامه، رهبران تجزیه طلب تلاش دارند نیروی کماندوئی دوهزار نفری یا بیشتر بوجود آورند و از این نیرو برای کسب قدرت از راه زور در جامو و کشمیر استفاده کنند و «استقلال» آنرا اعلام نمایند.

بالتیورسان، اعتراف می کند که تجزیه طلبان تلاش دارند کمک های هر چه بیشتری، بویژه اسلحه از آمریکا بدست آورند.

بالتیورسان، تلویحا آرزوهای مخفیانه رانکنین را در مورد هند افساء می کند و می نویسد:

«غرب به جامو و کشمیر علاقه فراوان دارد، چون این ایالت از موقع استراتژیک بسیار مساعد برخوردار است و در مرز هند و پاکستان و چین قرار دارد و به افغانستان و اتحاد شوروی «بسیار نزدیک» است.»

بالتیورسان، می افزاید:

«از این گذشته، از دست رفتن جامو و کشمیر می تواند به مشکلات مذهبی بیشتری در هند منجر شود.»

محله بی نامی در انتهای خزانه فرح آباد سابق:

زندگی همراه بارنج و فقر و درد ثمره سالها تسلط امپریالیسم مردم محله می گویند: مافق امیدمان به انقلاب است

آن هر ۱۵-۱۰ روز یکبار سیرایی می خریدم.
رقیه حداد می گوید:
«ما که از دولت چیز زیادی نمی - خواهیم. آبارتقان چند طبقه که نمی - خواهیم. فقط می خواهیم در همین جا خانه کوچکی از آجر برای ما درست کنند، گاز سرما و گرما درامان بشیم و یک مستمیری برای من و نوه ۴ ساله بگذارند، که من مجبور نباشم در سن ۶۰ سالگی برای تروتمندان رختشویی کنم.»

سلیمه حداد راجع به شوهرش، که با دکتک فروش است و روزی ۴۰-۳۰ تومن درآمد دارد، میگوید:
«نویسید که این خرج یک نفر هم نیست، چه رسد به اینکه ۶ نفر باید با آن زندگی کنند.»

در خانه عاطفه حداد، یکی دیگر از

اینها همه یکطرف، دستورمهرداری بنا در مورد تخلیه اینجا یکطرف آخر قرار پیدا می کند.
مهر او می گوید:
«آقا ترا پیدا بنویسید که به ما بیچاره ها نظر لطفی داشته باشند و کاری کنند که حداقل شبها گرم شویم. یک رشته لوله آب بر ایمان بکشند تا مجبور نباشیم ۱۰۰۰ متر برای تهیه آب از اینجا دور شویم.»

دختر جوانی می گفت:
«بخدا ما آفتدر برای آوردن آب رفته ایم که خجالت می کشیم.»

عزت الله اسدی نیز، که راننده است، می گوید:
«مدتها در بیابان های سید خندان، حشمتیه، کواکولا، تهراتپاس و... سرگردان بوده ام و ۴ سال است که به اینجا آمده ام و ماندگار شده ام.»

در انتهای خزانه فرح آباد سابق، بیابان وسیعی است که دکلهای برق آنرا پوشانیده است. اینجا و آنجا تعدادی خانه توسری خورده و کاهکلی و یا چادرهای زنده، همچون وصله ناجوری بر زمین خود - نمائی می کنند.

به سراغ یکی از این مجتمع های فقر می رویم. این محله فقط از روی تابلوی «صافکاری برادران» که در نزدیکی آن است، شناخته میشود. محله ای با ۱۵ خانوار و جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر.

محله از دور به گورستان نفرت - انگیزی از زباله ها می ماند، که انسانها در لایه لایه آنها می لولند. اما وقتی نزدیک می شوی، بیت های زنگ زده و پشکه های سیاهی رامی - بینی، که رویهم قرار دارند و از



بیشتر به گورستان متروک می ماند، تا محل زندگی یک ایرانی زحمتکش

زنان محله، حتی چراغ خوراکیزی پیدا نمی شود و او مجبور است ساعتها در زباله ها دنبال چوب و مقوا بگردد. تابوتانند برای بچه ها غذا بپزد. او می گوید:
«آخر با این یکباری و گرانی، پولی برای خرید چراغ باقی نماند. شوهرم یک روز سرکار می رود و ۱۰ روز یکبار است. مافقت امیدمان به امام است.»

پای صحبت هر کدام که می نشینی، خرداها درد دل دارند، ولی خواستها و نیازها همه شبیه هم است و توهمات هم اندک. اکثراً می گفتند که:
«حاضریم به شهر خودمان برویم، ولی نه زمین داریم و نه پول. اگر دولت به ما زمین و امکانات بدهد، یک لحظه هم اینجا نمی مانیم.»

و امام خوبی گفتند: «این مملکت مان کوخ نشینهاست نه کاخ نشینها...» پس بداد کوخ نشینها پرسید.

ما که قبل از انقلاب آواره بودیم، امیدمان این بود که بعد از انقلاب فکری به حال ما بکنند، ولی مثل اینکه مسئولان ما را آدم به حساب نمی - آورند.»

از او پرسیدیم: چه خواستی داری؟ می گوید:
«پرس که چه خواستی نداری، مگر ما چه داریم؟ ما هیچی نداریم، نه آب، نه برق، نه بهداشت، نه دکتر ...»

فاطمه حداد، که بارختشویی و کلفتی در خانه های بالای شهر یک خانواده چهار نفری را اداره می کند، می گوید:
«دولت انقلاب باید فکر مستضعفین باشد. تنها چیزی که ارزان بود (انیم) نه خیلی گوشت بود، که ما حداکثر هفته ای یکبار می خوردیم، ولی حالا گوشت قیمتی سه برابر شده و ما دیگر گوشت نمی خوریم و بجای

شرم چادرهای زنده و پاره به سر کشیده اند تا زندگی پارسه در دو رنج انسانهایی را که در رست خود جای داده اند، از تیررس قهر و خشم طبیعت اندکی مصون دارند. با این وجود، تابستانها هرم آفتاب چنگ در گلوگاه خشک آنها می اندازد و زمستانها سوزش سرما تازه ایوار بیکر نحیف آنها را می خراشد.

اینجا دورنمایی از سالبا کوشش بی انتها و بی ثمر انسانهایی است که ناله دردمندان بی جواب مانده و حکایت از عمق سالبا خیانت نوکران امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، می کند.

رضا آهنگریان، که کارگر ساختمان است، می گوید:
«۴ سال است که به اینجا آمده ام و فعلاً ۳۰ روز است که یکبار هم بیشتر شبها را گرسنه می خوابیم.



... و این محله فقر است و رنج

رژیم الاسالوادور افراد بیگانه را قتل عام می کند

بنا به گزارش کمیسیون حقوق بشر السالوادور، نیروهای رژیم سرسورده این کشور پانصد نفر را در ناحیه ای در چهل کیلومتری سان سالوادور قتل عام کرده اند. اعضای این کمیسیون از محل قتل عام دیدن کرده اند.

سر بازان مزدور السالوادور، برهبری مستقیم مستشاران آمریکائی، تاکنون چند بار دست به قتل عام افراد بیگانه زده اند. قتل عام اخیر، قسمتی از طرح رژیم السالوادور و سازمان سیا برای سرکوب مردم مبارز السالوادور و ارباب نیروهای مبارز است. اما گسترش دامنه عملیات نشان می دهد که جنایات امپریالیسم آمریکا در السالوادور هرگز نخواهد توانست مردم این کشور را از مبارزه در راه آزادی و دموکراسی بازدارد.

کارتز. اگر دوباره انتخاب شوم، از اسرائیل قاطعانه حمایت می کنم

جیمی کارتر در ملاقات با گروهی از رهبران صهیونیست های آمریکایی اعلام کرد که اگر بار دیگر به مقام ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود، حمایت قاطع از اسرائیل را ادامه خواهد داد، و این حمایت بدون تغییر خواهد بود.

کارتر مخالفت خود را با ایجاز کسوف فلسطینی اعلام کرد و گفت که هرگز با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره نخواهد کرد.

سخنان کارتر بار دیگر به روشنی نشان میدهد که صهیونیست های تل آویو تنها با حمایت امپریالیسم آمریکا است که می توانند به جنایات خود علیه خلق قهرمان فلسطین ادامه دهند.

درجهان سرمایه داری

بیداد بیکاری در کشورهای سرمایه داری

«ساره» رسمی کارگران بیکیار در «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»، که بیست و هجده رکسور صنعتی جهان سرمایه داری را در بر میگیرد، به ۱۷/۵ میلیون رسیده است. هفت میلیون از بیکاران را جوانان کمتر از ۲۵ ساله تشکیل میدهند.

در سن کسور بیسرفته، سرما یه داری ساره بیکاران در سال گذشته بشرح زیر بود:

ایالات متحده آمریکا: ۵/۹ میلیون (طبق آمار محافل سندیکا بی: حدافل ۷ میلیون)، بریتانیا: ۱/۷ میلیون، فرانسه: ۱/۴ میلیون، ایالتس: ۱/۶ میلیون، جمهوری فدرال آلمان: ۱/۲ میلیون، ژاپن: ۱/۲ میلیون.

در آسیا نیز در دهمند زحمتکشان بیکارند بیست و نهمی از آنها هیچگونه کمک هزینه بیکاری دریافت نمی کنند.

از ۲۳۰۰۰۰۰ بیکار بریتالی (طبق آمار محافل سندیکا بی: نیم میلیون) فقط بیست درصد کمک هزینه دریافت می کنند.

منعت اتومبیل سازی یکی از مهم ترین شاخه های اقتصادی آمریکا است، که بسیاری دیگر از صنایع این کشور به آن وابسته است. کاهش تولید منعت اتومبیل سازی سبب بیکاری ۲۰۰۰۰۰ کارگر (یعنی یک چهارم زحمتکشان این صنعت) اتومبیل ساز شده است.

بموجب آمار سازمان بین المللی کار، در کشورهای رسدنا بنده سرمایه داری سربیکاری و بیکاری وسیع بیسایه های یافته است: در آسیا ۲۳۰ میلیون و در آمریکا لانسی ۵۰ میلیون. این ارقام ۸۰ درصد کارگران جهان غرسوسا لسی را تشکیل میدهد.

درجهان سوسیالیسم

در پانزده سال گذشته، قیمت ۹۹ درصد کالاها غذایی در اتحاد شوروی ثابت باقی مانده است

در باره سال گذشته قیمت ۹۹ درصد کالاها غذایی و در حدود ۹۲ درصد فرآورده های غیر غذایی در اتحاد شوروی ثابت مانده است. به موجب اطلاع «اداره مرکزی آمار اتحاد شوروی، سال گذشته احصای قیمت های جزئی فروسی ۹۹/۷ درصد سطح سال ۱۳۴۹ بود.

برای بسبب قیمت های جزئی فروسی، دولت کمک هزینه های هنگفتی را متقبل می شود. برای نمونه، کمک هزینه بابت هر کیلوگرم کره ۱/۶۹ روبل (قیمت جزئی فروسی ۳/۶۰ روبل) و بابت هر کیلوگرم گوشت ۱/۷۹ روبل (قیمت جزئی فروسی ۲۰ روبل) است. اینک دولت شوروی سالانه ۱۹ میلیارد روبل بعنوان کمک هزینه گوشت و لبنیات می بردارد.

کمک هزینه دولت بابت لوازم کودکان متجاوز از یک میلیارد روبل است.

کمک هزینه خانه سازی نیز حسم کبراست. دولت هرساله بیش از ۵/۲ میلیارد روبل صرف نگهداشت خانه ها می کند. مستاجران فقط یک چهارم این مبلغ را خود می بردارند.

ثابت بود، عمومی کالاها به آن معنایست که صنعت فرآورده های آفرایش نباید. برای نمونه، سال گذشته قیمت حوا هرات، پوست حر، قالی، میل و برخی دیگر از کالاها، که تقاضای آنها محدود است، بالا رفت. ارسوی دیگر، هر چندگاه قیمت کالاهای که مصرف وسیع دارند، کاهش می یابد. برای نمونه، در سال های پیش کالاهایی مانند ماسین رختشویی، موتور سکل، محال، تلویزیون و رادیو، ضبط صوت و درلیاس سویی، پارچه سمیک، بساک کودکان و برخی داروها، ۳۰-۲۵ درصد ارزان تر شده است.

بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در مصاحبه با خبرنگار «نامه مردم»: امپریالیسم آمریکا میخواید تجربه شیلی را در ایران تکرار کند



رفیق پتريكو تگوریا، عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

تمام نیرو در صدد تضعیف پایه‌های مردمی حکومت آئینده بود، از سوئی تطیل کارخانه‌ها و واداشتن کارگران به اعتصاب بود. از سوی دیگر، گروه «میر» با طرح نظریات افراطی، خرده بورژوازی شهر و ده را از آئینده جدا کرد. این گروه با اشغال کارگاههای کوچک در شهر و زمین دهقانان میان حال در روستاها، بنام «کمونیست‌ها»، اعلام می‌کرد که باید این کارگاهها و زمین‌ها ملی شود. عمال آمریکا هم بر اساس همین اعمال، بر توهیات خرده بورژوازی دامن می‌زدند و آنها را از آئینده «کمونیست» می‌ترساندند و جدا می‌کردند. برای مثال در تظاهرات معروف کامیونداران، که ضربه نهایی را به آئینده زد، ارتجاع راست تنها بعد از طرح مسی کردن کامیونها از طرف «میر» توانست این اعتصاب را سازمان بدهد.

پرسش: فعالیت حزب کمونیست شیلی چگونه است؟

پاسخ: اساسی‌ترین فعالیت حزب کمونیست شیلی در حال حاضر گسترش هر چه بیشتر «جبهه وحدت ملی شیلی» است. ما معتقدیم که دوام و گسترش این جبهه هر چه زودتر سبب سرنگونی پیونوه و حکومت وابسته او میشود. می‌دانید که کمونیست‌های شیلی اولین کسانی بودند که، بعد از کودتای آمریکا علیه آئینده، تحت تعقیب قرار گرفتند. صدها نفر از آنها اسیر شدند، که یا در شکنجه‌گاهها به قتل رسیدند و یا در حال حاضر در سیاهچالهای شیلی زندانی هستند.

استفاده از تجربه ایران پرسش: بنظر میرسد که در جبهه وحدت ملی شیلی، همه سازمانها و گروهها و احزاب، از حزب کمونیست تا نمایندگان خرده بورژوازی شهر و ده و گروههای مذهبی باهم همکاری دارند؟

پاسخ: «کاملاً درست است. تجربه تاریخ معاصر نشان داده است که تنها با وحدت همه نیروهای خلق - درست مانند ایران شما - میتوان دشمن را از پای در آورد. در این وحدت، ملاک حزب کمونیست شیلی ملاک سیاسی است، یعنی ما بر اساس یک برنامه مشخص سیاسی، با همه گروههای مبارز، با وجود هر نوع عقیده سیاسی و مذهبی، متحد میشویم.»

پرسش: برنامه حزب کمونیست شیلی، بعد از سرنگونی پیونوه چیست؟

پاسخ: «برنامه بعدی ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم آمریکا از خاک میهن ماست، که همچنان به غارت منابع مالی ما و کشتار مبارزان و مردم بیگناه ادامه میدهد.»

پرسش: چه نیروهایی در «جبهه وحدت ملی شیلی» شرکت نکرده‌اند؟

پاسخ: «تنها گروه «میر» در این جبهه شرکت نکرده است. این گروه، که ترکیب درهمی از مانو-نیستا و تروتسکیست‌هاست، همچنان به فعالیت‌های افراطی خود ادامه میدهد و حاضر نشده است در جبهه شرکت کند. البته گروه «میر» هم رفرا اندوم را جداگانه

«جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی از نیروهای مخالف رژیم دیکتاتور پیونوه تشکیل شده است، همه پرسه قلابی دیکتاتور شیلی را تحریم کرد، و طی اعلامیه‌های متعدد، از مردم شیلی خواست تا با تحریم این رفرا اندوم قلابی، که روز ۳۰ شهریور برگزار میشود و هدف از آن قانونیت بخشیدن به حکومت فاشیستی دارودسته نظامی پیونوه است، به قتل مردم شیلی جواب دلان شکن بدهند.

رفیق پتريكو تگوریا، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، که برای شرکت در جشن روزنامه «صدای خلق»، ارگان حزب کمونیست آتریش، به وین، پایتخت اطریش، آمده بود، در دنبال سخنان بالا، به خبرنگار «نامه مردم» گفت: «بدنبال کودتای آمریکائی پیونوه، حزب کمونیست شیلی فعالیت گسترده‌ای را برای ایجاد وحدت بین همه نیروهای مخالف دیکتاتوری پیونوه آغاز کرد. در راه ایجاد این وحدت، یکپارچگی مردم ایران، که سبب سرنگونی رژیم شاه شده، عملاً به مردم ما نشان داد که تنها راه پیروزی بر دیکتاتوری، اتحاد همه نیروهای خلق است. خوشبختانه فعالیت‌های حزب کمونیست شیلی، با اینکه صدها تن از اعضای آن در زندانهای پیونوه هستند و در شرایط کاملاً فاشیستی، مخفیانه فعالیت می‌کنند، بصر رسید و «جبهه وحدت ملی شیلی» بسا شرکت سازمانهای سیاسی زیر وجود آمد:

۱- حزب سوسیالیست (معتقد به سوسیالیسم علمی)، ۲- حزب رادیکال، که یک حزب نماینده خرده-

بورژوازی شهری است، ۳- گروه «مهای اول»، این گروه در سال ۱۹۶۸ از حزب سوسیال مسیحی شیلی انشعب کرد. این یک گروه دهقانی است، که برای تقسیم زمین بین دهقانان شیلی مبارزه می‌کند و در خرده بورژوازی ده پایگاه دارد،

۴- گروه «مهای دوم»، که آتم یک گروه دهقانی است و بر پروتاریای ده تکیه دارد. یتش این دو گروه مذهبی است،

۵- نیروهای چپ دموکرات مسیحی، ۶- حزب کمونیست شیلی.

پرسش: برنامه «جبهه وحدت ملی شیلی» چیست؟

پاسخ: «جبهه می‌کوشد تا با استفاده از تجارب انقلاب ایران، همه مردم را علیه پیونوه متحد کند. «جبهه وحدت ملی شیلی» جبهه‌ای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری است. هدف جبهه سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم آمریکاست، درست همان چیزی که هدف مرحله اول انقلاب ایران بود. اما در لحظه حاضر که دیکتاتور پیونوه تدارک رفرا اندوم قلابی را می‌بیند، برنامه جبهه فضای این توطئه و متحد کردن توده‌ها گرد رفرا اندوم است. در این تحریم، حزب دموکرات مسیحی، که نماینده بورژوازی متوسط شیلی است و قبل از آئینده، یعنی درسالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ حکومت را در دست داشت و برای کسب آزادیهای بورژوازی مبارزه می‌کند، با «جبهه وحدت ملی شیلی» همکاری می‌کند.»

حزب کمونیست شیلی از انقلاب ایران پشتیبانی و از شخصیت آیت‌الله خمینی ستایش میکند. «جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی تشکیل شده، رفرا اندوم قلابی پیونوه را تحریم کرد. گروه «میر» با سیاست چپ افراطی در سقوط آئینده نقش مهمی داشت و اکنون هم با جبهه وحدت ملی همکاری نمی‌کند.

در حال حاضر بیشتر از ۳ هزار زندانی در زندانهای شیلی اسیر هستند، که اکثر آنها را کمونیست‌ها تشکیل میدهند. البته از گروههای دیگر هم، مانند سوسیالیستها و گروه «مهای» تعداد زیادی در زندان هستند. بعد از کودتای شیلی ۳۵۰۰۰ نفر مقتول شدند، که در میان آنها تعداد زیادی کمونیست وجود دارد. رفیق «ویکتور دیاز»، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی از جمله این مقتولشدگان است. با وجود همه این ضربات، حزب کمونیست شیلی، که در میان کارگران و زحمتکشان ریشه‌های استوار دارد، بار دیگر تجدید سازمان یافته و فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. حزب اخیراً موفق شده است که روزنامه الیسیگو (قرن) ارگان مرکزی حزب را، که قبلاً ماهی یکبار با

تحریم کرده است.» پرسش: شما گفتید گروه «میر» همچنان به فعالیت‌های افراطی خود ادامه میدهد، ممکن است توضیح بیشتری دهید.

نقش گروه «میر» در سقوط آئینده

پاسخ: «حزب کمونیست شیلی در اسناد مختلف از نقش گروه افراطی «میر» در سرنگونی آئینده پرده برداشته است. این گروه، در زمان آئینده، در برخی اتحادیه‌های کارگری نفوذ داشت و با طرح خواستهای افراطی، عملاً علیه آئینده فعالیت می‌کرد. گروه «میر» نه تنها خواهان ملی‌شدن صنایع بزرگ، بلکه خواستار ملی‌شدن صنایع و کارگاههای کوچک نیز بود. نتیجه این کار، درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا با

تیراژ ۵ هزار نسخه منتشر میشد، ماهی دوبار در تیراژ ۳۵ هزار نسخه منتشر و در میان توده‌ها بطور کاملاً مخفی توزیع کنند.

دفاع از انقلاب ایران

پرسش: حزب کمونیست شیلی انقلاب ایران را چگونه ارزیابی می‌کند؟

پاسخ: «انقلاب ایران یک انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی بود که به رهبری روحانی انقلابی، آیت‌الله خمینی، توانست رژیم شاه را سرنگون کند و در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان به امپریالیسم آمریکا ضربه مهلکی بزند. حزب کمونیست شیلی از این انقلاب بزرگ پشتیبانی و از شخصیت آیت‌الله خمینی ستایش می‌کند. همانطور که گفتیم، وحدت توده‌ها در ایران برای سرنگونی شاه، برای ما یک نمونه و یک تجربه بسیار بزرگ است. ما همچنین برای حزب قهرمان توده ایران، که پیشانی مردم ایران علیه رژیم شاه و امپریالیسم جنگیده است، احترام فوق‌العاده‌ای قائلیم. شخصیتی چون خسرو روزه، در میان رزمندگان کمونیست شیلی، نمونه یک کمونیست بزرگ و یک انسان طراز نوین است. باید اضافه کنیم که، اخباری که از ایران به ما میرسد، حکایت از این دارد که، امپریالیسم آمریکا قصد دارد با یک سیاست فرسایشی، تجربه خونین شیلی را در ایران تکرار کند. بگذارید به صراحت بگویم که، آنچه در شیلی سبب سرنگونی آئینده شد، سرکوب نکردن ضدانقلاب ایجاد تفرقه و بی‌تفاوتی بین توده‌های مردم به شیوه‌های گوناگون، و از جمله با استفاده از فعالیت‌های چپ افراطی بود. ما امیدواریم که با وحدت مردم ایران، تجربه شیلی در کشور شما تکرار نشود.»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

جمع‌آوری در عروسی یکی از اعضاء حزب توده ایران در شهر کرد ۲۱۵۰۰ ریال کمک مالی از اسفهان ۶۰۰۰۰ ریال هواداران حزب توده ایران در دماوند ۹۴۰۰۰ ریال علاقتندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام رفیق کی‌منش و به شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

مسائل سیاسی را با زور نمیشود حل کرد

در جمهوری اسلامی ایران کسی منکر این حقیقت نیست که فعالیت قانونی، آزاد و پلامانع سازمانها، احزاب و گروههاییکه به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وفادارند و در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند، باید قایل و تضمین شود. چون این فقط به نفع انقلاب، به خیر جمهوری اسلامی ایران، به سود آزادی، استقلال، ترقی و بهروزی کشور و مردم است. تفاوت بین‌ها و برخوردها در این مورد، بحث‌ها و گفتگوها (البته، سالم و بی‌پیشداوریهای مغرضانه در نظر است) میتواند پیرامون ماهیت انقلابی گروهها و احزاب سازمانهای سیاسی دورزند، که این امریست عقلانی. اگر حزبی، سازمانی، گروهی و فردی ضدانقلابی است، در نظام جمهوری اسلامی ایران نمیتواند و نباید از امکان فعالیت آزاد ضد انقلابی برخوردار باشد. و بعکس، اگر انقلابی است، باید بتواند به کار و کوشش سازنده و فعالیت انقلابی خود به بهترین وجهی ادامه دهد. اما ماهیت و صلاحیت انقلابی گروهها، سازمانها و احزاب سیاسی را نمیتوان با نظر اشخاص مختلف تعیین کرد. برای این کار موازین قانونی لازم است تا از کانهای مسئول مملکتی (و نه اشخاص متفرقه) به سر راه رهبران و مسئولان گروهها و سازمانها و احزاب بنشینند و بررسی کنند، برپایه این موازین قانونی قضاوت نمایند، حکم بدهند و اجرا کنند. و این رسیدگی تازه در صورتیست که ماهیت ضدانقلابی، و لذا عدم صلاحیت قانونی گروه یا سازمان و یا حزب سیاسی از جانب شخص واقعی یا حقوقی، با مدارک و اسناد لازم رسماً مطرح و ثابت شود. نه اینکه کسی، درجانی، سخنی بگوید، عده‌ای را تحریک و تحریص کند، محل کار و دفتر گروهی را اشغال، خراب یا غارت نماید. گرچه اکثریت قریب با اتفاق مردم رزمنده ایران، انقلابی بودن خود و پشتیبانی جدی از جمهوری اسلامی ایران را در عمل به بارزترین شکلی نشان داده‌اند، معذالک در هر حال انقلابی بودن رانمیتوان جرم محسوب داشت اما در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، ضدانقلابی بودن جرم است، جنایت است، و برابر اصل کلی و مسلم حقوقی باید جرم را به اثبات رساند نه مجرم نبودن را. به عبارت دیگر، به صرف تهمت ضد انقلابی بودن، «مخالف جمهوری اسلامی ایران بودن» نمیتوان از فعالیت یک سازمان، حزب یا گروه سیاسی جلوگیری کرد (محل کار، دفتر یا باشگاه آنرا اشغال نمود) و بعد گفت: بیاؤد و ثابت کرد که شما ضدانقلابی نیستید، با جمهوری

مردم کمپریالیسم جهانخوا را آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

ياسر عرفات:

ما به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارج می نهیم

پرشس: آیا نفوذ اتحاد شوروی به سازمان آزادی بخش فلسطین افزایش یافته است؟
 پاسخ: بنظر ما اتحاد شوروی نیروی است که به مردم فلسطین برای بازیابی حقوقشان کمک میکند. بدیهی است که مردم ما از اظهاریه های مثبت دولت شوروی شادمان میشوند. از سوی دیگر، مردم ما می بینند که اسرائیل همه گونه

دولت جدید ...

بقیه از صفحه ۱
 «آقایان تفاهم کنید» ولی این منازعات و مشاجرات است که بالا میگیرد و تفاهم دورتر می رود و دست نیافتنی تر میشود. کافسی است به عکس العمل محافظ امپریالیستی نسبت به علنی شدن و شدت یافتن این مشاجرات لفظی و قلمی توجه کنیم و به بینیم آنها با چه شادی و «امیدواری» باین رویارویی نامتناسب با نیاز انقلاب، برخورد میکنند، تا به آسانی درک کنیم که ادامه این وضع چقدر بزبان انقلاب و جمهوری اسلامی تمام میشود.

تفاهم، يك تفاهم جدی و اصولی بین دست اندرکاران حکومت بر سر مواضع و برنامه های انقلابی و دولتی مبرم است.

تفاهم، يك تفاهم وسیع و سراسری، اصولی و مستحکم بین کلیه نیروهای راستین انقلابی، صاحب عقاید و نظرات مختلف بر سر برنامه های روشن و دقیق بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی ایران، سرکوب ضدانقلاب، سازندگی کشور، پیشرفت سالم و مستقل جامعه و خدمت به میلیونها ایرانی زحمتکش و محروم دارای اهمیت حیاتی است.

در این نخستین روزیکه کلیه نهادها مستقر شده و باید مرحله تازه ای آغاز شود، به تفاهم اصولی، به وحدت انقلابی توجه کنیم. تفاهم را بدرقه راه دولت جدید سازیم، با این امید که برنامه

سخنان سفیر سابق ...

بقیه از صفحه ۱
 نخواهد کرد. آمریکا گروگانها را میخواهد»

اینباخطوط اصلی آن «مسیا»ستی است که دستهای خونین امپریالیسم آمریکا را در اب توبه می شوید، «ماهیت» آن را تغییر یافته اعلام میکنند تهاجمات فبلی آمریکا و تهاجمات بعدی آن را بخاطر نجات گروگانهای جاسوس میداند، و باین ترتیب نه تنها آمریکا را تبرئه می کند، بلکه گناه تهاجم نظامی آمریکا را به گردن ایران می اندازد. این «مسیا»ست که از جانب محافل معینی بیکرانه دنبال میشود ماهیت جنایتکارانه آمریکا را که همانا سرشت امپریالیسم یعنی سیاست انحصارات بزرگ نظامی مالی، صنعتی و ... است، لاپوشانی می کند و هدف آن را نه آزاد شدن دوباره دستهای این انحصارات برای غارت و جنایت در مین ما، بلکه در هدف «بسی دوستانه» آزاد کردن گروگانها تبلیغ می کند.

امپریالیسم خونخوار آمریکا همسین سیاست راه که از «مسیا» تجویز شده، بشیرمانه در جهان تبلیغ می کند تا برای تهاجم نظامی به ایران بهانه داشته باشد.

آمریکا که در واقع ایران را میخواهد، فریاد میزند که گروگانها را میخواهد. آمریکا و ایادی اش در ایران تبلیغ می کنند که آمریکا اگر در طس فوای نظامی پیاده می کند، اگر توطئه کودتای ۱۸ تیر را سازمان میدهد، اگر از نقاط زیر نفوذ خود مرزهای ایران را محاصره میکند، اگر بنادر عمان و سومالی را ازبیروهای ضربتی پر می کند و اگر دست به صدها گرفتار میزند ... گروگانها را میخواهد.

روی دیگر این «استدلال» اینست که آمریکا وقتی گروگانها را در ایران نداشت، نسبت به این قبیل اعمال نمی زد! درست همین جاست که سفیر

دهقانان مینویسند:

روزنامه محترم نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، ما اهالی روستای ناولد و دولت آباد، بعضی می رسانییم. آب چشمه معروف به چشمه کلین دانی، متعلق و مختص به قریه ناولد و دولت آباد از حال سنجد خلخل می باشد و از سال ۱۳۱۷ قمری برابرسند رسمی و پرونده بستی، زارترین قراء مزبور از آب چشمه جهت آبیاری مزارع و نیز برای استفاده احتشام مصرف می - کردیم. از سال ۱۳۵۲ رئیس آبیاری، که هنوز هم در مقام خودش باقی است و از فئودالهای شیرج آباد بوده، پارتی بزی کرده و به بهانه اینکه این چشمه رودخانه است و تمام روستاها باید استفاده کنند، بزور توسط ماموران طاغوت آب به شیرج آباد می برد و از آنها رشوت می گرفت. ما به این عمل اعتراض نوده و شکایتی به مقامات نوصلاح دادیم که نتیجه ای نگرفتیم. بوسیله همین شخص ۱۱ نفر از اهالی ناولد و دولت آباد بمدت ۲ ماه در زندانهای هروآباد و اردبیل بازداشت شدند.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهند ما، که انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین است و تمام زحمتکشان انتظار دارند که تمام آثار دوران طاغوت از بین برود، متاسفانه بازم این شخص فئودال دست به اقدامات گذشته خود زده و می خواهد بازور آب این چشمه را از دست ما بگیرد و اگر این مستکبر بتواند به این کارش جامه عمل ببوشاند، این ده روستا، که ۱۳۰ خانوار است، تمام مزارع و باغات و حتی احتشام خود را از دست خواهند داد و در نتیجه مجبور خواهند شد از ده کوچ کرده و روانه شهرها شوند. بعد از انقلاب چندین

چهره های رنگارنگ

بقیه از صفحه ۱
 اسلامی ایران و خطاب به اقتدار مختلف، از طرف آنها صادر می - شود. ضدانقلابیون گاه مستقیما به رهبر انقلاب حمله می کنند، گاه به حزب توده ایران به منابه حامی راستین انقلاب، لجن پراکنی می کنند، گاه بخپال خود مردم را می نوازند و از آنها می خواهند که علیه رهبر انقلاب، و در حقیقت انقلاب، بپاییزند و گاه نیز با تهدید مردم را به شورش علیه انقلاب فرامی خوانند.

این عوامل وابسته، که به رهبری امپریالیسم آمریکا بارها و بارها نقش مبارزه با نهضت های مترقی و انقلابیون راستین را تمرین کرده اند، در شیلهی آئینده را کشته اند، در اندوختی صدها هزار نفر را کشتار کرده اند، در ایران کودتای ۲۸ مرداد را راه انداخته اند، ویتنام را به خاک و خون کشیده اند و ... اینک با همان سلاح ها وارد عرصه کارزار شده اند: يك روز در بوشهر، در حالی که در يك سوی شبر اسلحه قاچاق پخش می شود، از جانب ارتش به اصطلاح رهائ بخش ایران از «ان پرستان» خواسته می - شود که مشکل شوند؛ روز بعد، در حالی که عده ای زیر عنوان «حزب سالی» به دفاتر احزاب و سازمانهای وفادار به انقلاب، و از جمله «بویژه حزب توده ایران حمله می کنند، «سازمان مرگ» در حوالی پارک وی ده ها اعلامیه علیه روحانیت مبارز ایران پخش می کند. در همین لحظات در خانان مصدق، حدود ۱۰۰۰ نامه پخش مرشد که محتوی عکس شاه سابق، سگ زنجیری

مرتب به مقامات ذیصلاح شکایت نموده، ولی بعلت نفوذ این فئودال به این خواست برحق ما ترتیبی اثری داده نشده است. از آن روزنامه محترم، که ارگان تمام زحمتکشان می باشد و سالیست که برای احقاق حقوق زحمتکشان مبارزه کرده و مبارزه می کند، انتظار داریم که این موضوع در روزنامه مردم درج شود و از مقامات مسئول هم می خواهیم که به این موضوع، که يك امر حیاتی است رسیدگی جدی نمایند.

با تقدیم احترام اهالی روستای ناولد و دولت آباد

این نامه به امضای اعضای شورای ده و نمایندگان دهقانان رسیده است. نامه «مردم» طبیعی است که انقلاب شکوهند ما نمی تواند اهداف خلقی و مردمی خود را بدست همان افرادی که عوامل اصلی اجسرای سیاست های ضد مردمی حکومت ننگین پهلوی بوده اند، تحقق بخشد. و همانگونه که امام خمینی در سخنان خود تاکید کرده اند و ما نیز بارها در امر پاکسازی افراد ناصالح در ادارات دولتی تکرار کرده ایم، باید ادارات دولتی از وجود طاغوتیان و وابستگان به رژیم وابسته و استثمارگرانه شاه سابق پاک شوند. هدایت کشتی انقلاب باید بدست انقلابیون صدیق و راستین انجام گیرد، وگرنه توده های زحمتکش نسبت به انقلاب بدبین و مایوس خواهند شد، که این خود يك خطر جدی برای سرنوشت انقلاب است. رسیدگی به خواست دهقانان زحمتکش ناولد و دولت آباد وظیفه مفاظت مسئول و متعهد است. دست عوامل سودجو و مجریان سیاست ضددهقانی رژیم شاه سابق را از جان و زندگی روستائیان کوتاه کنید.

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها: امریکا گروگانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در گفت و شنود تلفنی روزنامه اطلاعات، به سئوالات مردم پاسخ داد.

حجت الاسلام خوئینی ها در پاسخ يك سؤال گفت: «باید بدانید که آمریکامهايتا يك عنصری تجاوزگر است که بسادگی دست از سرما برنمی دارد. این ماهستیم که باید دستش را قطع کنیم».

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: بر وسیله ای استفاده می کنند: پشت خانه ها اعلامیه می اندازند، گارت تبریک دشمنشاهی» برای مردم می فرستند، نوارهای ایران همراه با سخنرانی شاپور نژاد را پخش می کنند و اخیرا هم کاغذهای بزرگ شامل جملات ضدانقلابی، به خشکتوبی ها می دهند، تا لباس های مردم را در در دل دوست (آمریکا) بهر حبله رهی باید جست!

حزب توده ایران با افشای این توطئه ها از مسئولین کشور می خواهد تا با همه امکانات خود، ضدانقلابیون را افضاء و طرد کنند. همچنین از همه مردم می بین - دوست و انقلابی، از اعضاء و هواداران حزب توده ایران طلب می کند که توطئه های تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران را با همه نیرو افشاء کنند.

نامه مردم
 ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
 و مدیر مسئول:
 منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم»
 هنوز در اختیار
 نامه «مردم» نیست)

NAMEH
 MARDOM

No. 330
 11 September 1980

Price:
 West-Germany 0.80 DM
 France 2 Fr.
 Austria 8 Sch.
 England 20 P.
 Belgium 10 Fr.
 Italy 350 L.
 U.S.A. 40 Cts
 Sweden 1.50 Skr.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است